

امان

ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هشتادمین شماره نشریه الکترونیک امان  
دوماهنامه - ویژه شهریور و مهر ماه ۱۴۰۲

# عاشورا تجلی است



کالبدشکافی فرهنگی / عوامل ایجاد جریان های انحرافی / گسترش فرهنگ مقاومت / دستاورد دفاع مقدس  
باز کاوی حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / نهم ربیع / پیرامون زندگی امام عسکری علیه السلام / پندرسانه ای

امام سرچشمه علم و عصمت / همراه با دریافت فایل بروشور

# در انتظار طوفان

مقصر خود شما میاید ای ستمگران صهیونیست، عامل این طوفان خود شما هستید. خودتان بلا را به سر خودتان آوردید. یک ملت غیراواکنش غیورانه و شجاعانه در مقابل این چنین دشمنی هیچ راهی ندارد. وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود.

رهبرانقلاب اسلامی  
۱۴۰۲/۷/۱۸



بسمه تعالی



شهادت بیش از ۱۰۰۰ نفر فلسطینی در حمله وحشیانه رژیم کودک کش صهیونیستی  
به بیمارستان ((المعمدانی)) در غزه بر عموم مسلمانان جهان تسلیت باد

هشتادمین شماره نشریه الکترونیک امان  
دوماهنامه - ویژه شهریور و مهر ماه ۱۴۰۲



ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دوماهنامه امان - شماره ۸۰

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سر دبیر: حجت الاسلام محمد رضانصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجبی شیزری

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان - با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد علمی حضرت مهدی موعود



## نامید نشوید ...

آخرین نکته که خیلی نکته‌ی مهمی هم هست این است: یک چیزهایی ممکن است شما مشاهده کنید که برای شما ناپسند باشد؛ فرض کنید گرایش سیاسی فلان شخصیت یا اشکال در کار فلان مسئول در فلان قوه برای شما ناخوشایند است. اگر صد مورد از این حوادث را هم مشاهده می‌کنید، **نامید نشوید؛** این آن توصیه‌ی قطعی و اصلی من است.

نامید نشوید! همه چیز امیدبخش است برای ما، همه چیز نویددهنده است برای ما. همان طور که اشاره کردم، ما یک ملتی هستیم که عوامل مژده‌دهنده در پیرامون ما و در درون ما بمراتب بیشتر است از عوامل مأیوس‌کننده و نامید کننده. این عوامل مژده‌دهنده را ببینید، پیدا کنید، به آنها دلگرم بشوید، به خدای متعال توکل کنید، قصدتان را و نیتتان را خالص کنید و بدانید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد و مدد خواهد کرد.

ان شاء الله همه‌ی شماها زوال دشمنان بشریت، یعنی همین تمدن آمریکایی منحط و زوال اسرائیل را به لطف الهی خواهید دید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## کتابخانه

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

.... يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ وَمَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ، وَاللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ ...

... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و مثل ذی القرنین است. به خدا سوگند هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده و به دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد ...

کمال الدین، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۱ ترجمه مرحوم پهلوان

فرج از دعا اثر دارد...  
بخوان دعای



# یأس و ناامیدی از ظهور (علل و راههای برون رفت)

حجت الاسلام مسعود پورسیدآقایی، استاد مرکز تخصصی مهدویت  
حجت الاسلام علی بهبودی، فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت؛  
بااندکی تلخیص (قسمت اول)

یکی از چالش‌های مهم عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، یأس و ناامیدی مردم از ظهور و فرج است. در این مقاله، «ریشه‌ها» و «زمینه‌ها» و «پیامدهای ناامیدی از ظهور» مطرح و «راهکارهای پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور» در سه قسمت تبیین خواهد شد.

## علل و ریشه‌ها و زمینه‌های یأس و ناامیدی

ممکن است که زمینه و مقدمه تحقق هلاکتی که بر اساس روایات به شتاب‌زدگان هشدار داده شده است؛ همان ناامیدی ای باشد که بر اثر استعجال به فرد یا افراد دست می‌دهد و زمینه‌ای خطرناک می‌گردد که آنان را تا مرز هلاکت دنیوی و اخروی سوق دهد. پدیده استعجال می‌تواند معلول یکی از دو عامل ذیل باشد:

الف) سطحی نگر بودن انسان و توجه به منافع و مصالح بسیار نزدیک و محسوس و غفلت از مصالح آینده و اهداف بزرگ رسالت جهانی و فراگیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف؛

ب) آگاهی نداشتن به مسیر طبیعی و منطقی تحولات اجتماعی و عدم شناخت قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عدم توجه به این نکته که ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه زمینه‌ها انجام گیرد.

۱. طولانی شدن غیبت  
به درازا کشیده شدن غیبت کبرا، امری است که روایات فراوانی به آن تصریح کرده‌اند. به عنوان مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«مهدی از اولاد من، اسم و کنیه او اسم و کنیه من و در خلقت و اخلاق شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبتی است که مردم به حیرت افتند تا آن جا که از دینشان گمراه می‌شوند. در آن هنگام، مانند شهاب ثاقب ظهور و دنیا را پر از عدل و قسط می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده بود.»

این روایت به طولانی بودن غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشريف تصریح می‌کند که در نتیجه مردم به مشکلاتی دچار می‌شوند. افرادی که در طول زندگی، مقوله ظهور حضرت را شنیده و خوانده‌اند و احیاناً از نزدیک بودن ظهور و پدیدار شدن برخی از علامات ظهور، شنیده‌اند؛ اکنون پس از گذشت سالیان متمادی و طولانی و عدم تحقق آن وعده‌ها، ممکن است مردم از اصل ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشريف ناامید شوند.

۲. عجله داشتن در تحقق امر ظهور

علت دیگر ناامیدی از ظهور، «استعجال» است. «استعجال»، به معنای عجله کردن و خواستن چیزی است قبل از رسیدن وقت و تحقق زمینه‌های لازم آن.

افراط و تفریط در هر امری مذمت شده است؛ از جمله در بحث ظهور که استعجال در آن، امری افراطی و استبعاد آن امری تفریطی است و هر دو نیز مذمت گردیده است. دور شمردن ظهور، وجه مقابل استعجال است که سبب بی تفاوتی و قساوت قلب می‌شود. در روایات عجله داشتن در تحقق ظهور و شتاب‌زدگی در این امر بسیار نکوهش شده است. امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمودند:

«شتاب مردم برای این کار [=ظهور] آن‌ها را هلاک کرد. خداوند برای شتاب مردم، شتاب نمی‌کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر مدت آن سرآید، نه ساعتی جلومی‌افتد و نه ساعتی تأخیر می‌شود.»

باتوجه به دو عامل مذکور، می‌توان دریافت کسانی که به عللی، مانند نزدیک‌نگری و سطحی‌اندیشی و عدم توجه به زمینه‌های تحقق امر ظهور، دچار استعجال در امر ظهور می‌شوند، پس از مدتی و به تدریج به یأس دچار شده و گام به گام از اعتقاد آن‌ها به وجود امام حئی و منجی عدالت گستر کاسته می‌شود و چه بسا در نهایت از اصل امر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک ناامید گردند.

### ۳. تعیین وقت ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الیک

«توقیت»، یکی دیگر از دلایل ناامیدی و یأس عده‌ای از ظهور حجت خداست. در روایات متعددی از وجود تعیین‌کنندگان وقت و مذمت آن‌ها یاد شده است. زمینه‌ها و خاستگاه‌های توقیت عبارتند از:

۱. تعجیل در امر فرج؛

۲. عوام فریبی بر اثر هوا و هوس؛

۳. توهم و خیال‌پردازی؛

۴. تطبیق نادرست آثاری که از قدرت‌های روحی و ریاضت‌ها به دست می‌آوردند؛ یعنی چیزهایی را پیش‌بینی می‌کنند؛ اما در تطبیق آن‌ها اشتباه صورت می‌دهند و در واقع تصور می‌کنند آنچه پیش‌بینی کرده‌اند، ظهور است و لذا برای ظهور تعیین وقت می‌کنند.

### ۴. تطبیق ناصواب

از جمله علل یأس و ناامیدی از ظهور، «تطبیق» است؛ به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آن روایات را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. گفتنی است بر اساس مفاد روایات این امر خطیر، تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل بر عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبریا، به عنوان «نواب عام» عهده دار امور گشته‌اند.

گاهی، بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدین وسیله از نزدیک بودن ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن خبر می‌دهند. البته صرف تطبیق روایات بر حوادث، موجد آفت و آسیب نیست، بلکه آفت قضیه، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن چند روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و عدم بهره‌مندی از قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات، در این زمینه مطرح می‌کنند؛ یعنی بدون داشتن تخصص در زمینه امر ظهور، به اظهار نظر در این مقوله می‌پردازند.

مسئله مهمی که نباید فراموش شود، پیامد خطا در تطبیق و عدم تحقق آن تطبیق بر علائم ظهور است؛ زیرا اشتباه در این زمینه، شک و تردید برخی از افراد را در سایر مطالب ارائه شده و حتی تردید در اصل مهدویت را باعث خواهد شد و همچنین سبب ناامیدی بسیاری از افراد، بر اثر عدم وقوع ظهور می‌گردد. از جمله افراد و اشخاصی که در گذشته و حال مصادیقی برای ظهور قلمداد تعیین شده‌اند، افرادی مانند یمانی، خراسانی، سفیانی و شعیب بن صالح هستند که به مرور زمان کذب و [یا اشتباه] بودن این تطبیق‌ها و آثار منفی آن در اعتقادات و اعمال و اخلاق مردم دیده شده است. در سال‌های اخیر نیز مستندی به نام «ظهور بسیار نزدیک است» از سوی عده‌ای تهیه شد که افراد مذکور (یمانی، خراسانی، سفیانی و شعیب بن صالح) را بر افرادی در عصر امروز تطبیق دادند و آثار مخربی را در بین عده‌ای از متدینین ایجاد کرد؛ به طوری که آنان را تا مرز ناامیدی از اصل ظهور کشاند.

### ۵. ملاقات‌گرایی

از جمله خطرهایی که در عصر غیبت در کمین منتظران قرار دارد، «ملاقات‌گرایی» است که ممکن است. هستند کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از اجرای بقیه وظایف واجب غافل‌اند و دیگران را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه فرا می‌خوانند. نیز مدعیانی هستند که بی دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند و گاهی گرفتن دست خط از امام یا آوردن پیام از طرف آن حضرت را مدعی می‌شوند! این امر رفته رفته و در طول زمان، در کنار عدم توفیق دیدار و ملاقات با حضرت، به یأس و ناامیدی از ظهور ختم می‌گردد؛ چرا که به زعم افراد مذکور، فرد تمام وظیفه خود را در این دنیا ملاقات با امام دانسته و چیزی در این زمینه به دست نمی‌آورد؛ و یا از ارتباط با افراد مدعی دیدار، جز پوچی و عده‌ها ندیده است و چه بسا شب و روز خود را برای رسیدن به این توفیق صرف می‌کند و لذا حال که پس از زمان طولانی، دست خود را خالی می‌بیند و طبیعی است که این رویه به ناامیدی از ظهور منتهی گردد.

۶. عدم معرفت به آموزه مهدویت و برداشت‌های نادرست از آن  
گاهی علت ناامیدی از ظهور، «عدم بینش و درک صحیح از آموزه‌های مهدوی» است. به عنوان نمونه:  
الف. در موضوع غیبت برداشت‌های نادرستی وجود دارد که به ناامیدی از اصل ظهور منجر می‌گردد.  
برخی غیبت حضرت را به معنای «عدم حضور» معنا کرده و گروهی از ایشان معتقدند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک مانند حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الیک به آسمان رفته است.

طی سال‌های اخیر نیز دولت‌های مستکبر، با همراهی کشورهای مرتجع منطقه خاورمیانه، در پی حاکم کردن دولتی جعلی به نام داعش برای جنگ نیابتی در منطقه بودند. مشاهده رخدادهایی که حاکی از ظلم گسترده بر مسلمانان جهان است، در کنار ضعف ایمان به وعده‌های الهی، و نیز سست عقاید مهدوی، در برخی افراد، به سیاه‌نمایی، برداشت‌های نادرست منتهی گشته که در نهایت به ناامیدی از اصل ظهور منجر می‌شود؛ مبنی بر اینکه مگر ممکن است حجت خدا این فجایع و ظلم فراگیر را ببیند و ظهور نکند؟!

#### ۸. عملکرد ناصحیح منتظر نمایان و داعیه داران نظام اسلامی

در پایان این بخش، می‌توان به دلایل دیگری برای یأس از ظهور اشاره کرد که از جمله آن‌ها «بی تقوایی و اعمال و رفتار نادرست» منتظرانها و برخی از بزرگان و رؤسای نظام اسلامی است.

امام صادق ع می‌فرماید:

«... وَرَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَىٰ وَلَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ؛ بر روی منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می‌دهند؛ ولی گوینده خود به گفته خویش عمل نمی‌کند.»

وقتی مردم فردی را در لباس روحانیت و یا در منصب و جایگاه مهمی از نظام اسلامی می‌بینند که داعیه دار انتظار ظهور است؛ اما عملکردش نه تنها برخلاف «انتظار» و «منتظر» است، بلکه اقداماتی همسو با دشمنان از او دیده می‌شود؛ در چنین حالتی این رفتارها در انحراف عقیده بسیاری از مردم حتی بر عرصه جامعه جهانی مسلمانان تاثیر منفی گذاشته و چه بسا مردم را به ورطه یأس از امر ظهور سوق می‌دهد.



در حالی که غیبت در مقابل «ظهور» است؛ نه در مقابل «حضور». در واقع امام حاضر است؛ گرچه ظاهر نیست. امام را غایب نامیده‌اند؛ بدان دلیل که ایشان از نظرها غائب هستند؛ نه این که در جامعه حضور ندارند. به عنوان مثال: نیروی جاذبه در همه جا حاضر است؛ ولی ظاهر نیست. یا مثلاً روح در وجود ما، حاضر است، ولی ظاهر نیست.

ب. عده‌ای دیگر، حضرت را در دور دست‌ها (جزیره خضرا و...) پنداشته و برخی هر گونه امکان دیدار با حضرت را نفی کرده‌اند؛ در حالی که این دیدگاه‌ها نادرستند و با روایات ما سازگار نیستند. مطابق روایات، حضرت مهدی ع بر خلاف حضرت عیسی ع، به آسمان نرفته، در میان مردمان است و در شهرها و بازارها و... قدم می‌نهد. هر سال در موسم حج حاضر می‌شود؛ مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند.

ج. برخی معتقدند بین غیبت و حضور هیچ تفاوتی نیست. لذا توقع دارند حضرت در هر امری دخالت کند. این دیدگاه نیز به خطا راه پیموده است؛ زیرا اگر قرار باشد حضرت به صورت مستقیم در هر کاری دخالت کنند یا همه به محضرشان مشرف شوند؛ دیگر غیبت معنایی ندارد.

بنابراین، با عدم فهم صحیح از آموزه‌های مهدوی، شبهاتی در ذهن برخی مردم ممکن است ایجاد شود، مبنی بر این که اگر امامی در این دنیا هست، چرا در رفع گرفتاری عموم مسلمانان در مناطق مختلف دنیا اقدامی نمی‌کند. چه بسا این عدم شناخت موجب ناامیدی از ظهور امام مهدی ع گردد.

۷. قدرت و تسلط جبهه باطل بر جهان و ظلم همه جانبه علیه مسلمانان یکی دیگر از علل ناامیدی نسبت به مقوله ظهور، «افزایش روز افزون ظلم فراگیر در سراسر جهان»، به ویژه علیه مسلمانان است. مثلاً رژیم جعلی اسرائیل که سال‌هاست در فلسطین مشغول خونریزی است، بلکه بارها نسبت به ترور و قتل بسیاری از مسلمانان و دانشمندان در سایر ملل به ویژه در جمهوری اسلامی ایران، اقدامات فراوانی انجام داده است.



# آیا می دانید که...



- شرایط ظهور به اموری اطلاق می شود که امر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آنها وابسته است و تا آنها محقق نشوند ظهور رخ نخواهد داد.
- درباره نام مادر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف گزارش های مختلفی وجود دارد که از آن جمله می توان به حدیث، سوسن، اسما و... اشاره کرد.
- زیارت آل یاسین یک دوره امام شناسی و معرفت افزایی نسبت به وجود نورانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
- یکی از مشهورترین القاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، «مهدی» است. «مهدی» به معنای «هدایت شده» است. کلمه «مهدویت» نیز برگرفته از همین ریشه است.
- آرماگدون نام نبرد نیست که به باور مسیحیان صهیونیست در آخرالزمان در منطقه ای به نام «مجدو» رخ خواهد داد و در آن نبرد نیروهای مسیح و ضد مسیح که نماد حق و باطلند با هم به ستیز می پردازند.
- انتظار از ریشه (ن ظ ر) می باشد معنای نظر، دیدن و مشاهده است و گاهی به معنای تفکر و تأمل می باشد. انتظار را به معنای صبر، چشم داشت و چشم به راهی نیز دانسته اند.
- مقصود از «خسف بیداء» این است که لشکر سفیانی که به قصد کشتن امام، از مدینه به سمت مکه راه می افتد در میانه ی راه و در سرزمین بیداء به شکل اعجاز آمیزی در زمین فرو می رود.
- خواجه نصیر طوسی می گوید: طول عمر در غیر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق افتاده ی محقق شده است؛ چون چنین است، بعید شمردن طول عمر در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهل محض است.
- اسماعیلیان مانند شیعیان دوازده امامی در امر امامت و مصادیق آن تا امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف اشتراک عقیده دارند. آنان امامت را نیز به نص دانسته اند.
- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من است. اسم او اسم من، کنیه او کنیه من و از نظر خلق و خُلق شبیه ترین مردم به من است.



# شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی

حجت‌الاسلام ابوالحسن قاسم‌فام

مراد ما از شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی، خصوصیات بارز و آشکار فرهنگ مهدوی در دوران ظهور یا انتظار، در عرصه تدبیر، تصمیم‌گیری و اجراست. نمونه‌هایی از این شاخصه‌ها عبارت است از:

## تولی و تبری

از شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی، دوستی با دوستان خدا و برایت از دشمنان خداوند است. این شاخصه، فراتر از مرزهاست. امروزه منتظران ظهور، دوستان خدا را در هر مکانی که زندگی می‌کنند باید مورد تأیید و دشمنان خدا را مورد تبری قرار دهند. امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد. چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.»

تولی و تبری دو آموزه شاخص از آموزه‌های اسلامی در زمینه روابط مسلمانان با همدیگر و با غیرمسلمانان است که می‌توان از آن دو به عنوان دکتترین اسلامی در روابط اجتماعی - سیاسی با همدیگر و غیرمسلمانان تعبیر کرد.

## نفوذناپذیری در برابر دشمنان

خداوند متعال درباره صفات مؤمنان می‌فرماید:

«أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ آن‌ها بر کافران سخت گیرند.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «جمله «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» کنایه از این است که اولیای خدا خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که اعتنایی به عزت کاذب کفار کنند. کفاری که اعتنایی به امر دین ندارند.»

بنابراین افراد منتظر باید مراقب باشند که دشمنان با فتنه‌انگیزی در آن‌ها نفوذ نداشته باشند و با بهانه‌های فریبنده به اسلام ضربه نزنند. ایمان، موجب عزت و نفوذناپذیری انسان در برابر دشمنان می‌شود. اگر جایی برای نفوذ دشمنان و شیاطین در خود قرار داده‌ایم، برای این است که از نظر ایمانی، کوتاهی صورت گرفته است. مؤمن هیچ‌گاه راه نفوذ دشمن را برای خود ایجاد نمی‌کند. حکومت موظف است با ترویج مفاهیم و مبانی دین اسلام و قرآن، استحکام و نفوذناپذیری خود را در برابر دشمنان نشان دهد.

## وحدت و انسجام

وحدت و انسجام در زندگی و کار از ارزش‌های انسانی و از رموز کامیابی است. انسان‌های موفق برنامه داشته و بر اساس اصول مشخص، حرکت می‌کنند. انقلاب‌های رهایی‌بخش و سازمان‌یافته، کمتر با شکست روبه‌رو می‌شوند. انسجام بایستی شاخصه اساسی جامعه منتظر باشد.

امام صادق علیه السلام اصحاب امام زمان علیه السلام را این‌گونه می‌ستاید:

«گویا قلب‌هایشان آهن فولادین است که تردیدی در آن‌ها راه ندارد. در راه خدا از سنگ محکم ترند و اگر کوه‌ها مانعشان شوند، آن‌ها را از راه برمی‌دارند.»

در روایتی دیگر آمده است:

«گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است.»

## شایسته‌سالاری

در دولت حق، هر صاحب حقی از حق خود بهره‌مند می‌شود و ناحقان، قدرت و نفوذی ندارند. کسی به دلیل ثروت انبوه یا نزدیکی با حاکمان، چیزی را مالک نمی‌شود. تمام توان در دست اهل آن است. وقتی چنین بود، دیگر مانعی برای بیان حق نیست. پس برای آنکه بتوان حق را در جامعه مطرح کرد باید اول دست کسانی را که حقی ندارند کوتاه کرد.

بیشترین همت جامعه زمینه‌ساز باید شایسته‌سالاری باشد. باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و عمل شود که کسی از حق خود محروم نماند و کسی نیز به ناحق مالک و حاکم چیزی نگردد.

## حاکمیت جامع قرآن

حکومت مهدوی، سرمنزل مقصود همه انبیا و ائمه علیهم السلام است. در آن دوران است که آخرین کتاب آسمانی به طور کامل حاکمیت یافته و محور همه چیز قرار می‌گیرد. جامعه منتظر نیز با تاسی به آن دوران باید در پیاده‌سازی حداکثری احکام قرآن سعی و کوشش کند.

## همدلی همه نیروها در خدمت رسانی

مردم در نظام سیاسی مهدوی، مردمی حاضر در صحنه و همراه با امام هستند. آنان از باب «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» در انجام وظایف و یاری رساندن به دیگران با یکدیگر رقابت کرده و تنها هدفشان، جلب رضایت خداوند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

این را می‌توان از روایاتی به دست آورد که بیانگر نوع حکومتی از عدل الهی است که توسط بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشريف عملی خواهد شد. چراکه چنین روایاتی تنها ناظر به حکومت عصر ظهور نیست؛ بلکه برای عصر غیبت نیز این پیام را دارد که بایستی جامعه منتظر نیز در این مسیر حرکت کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند حق را به اهلش برمی‌گرداند. همین عامل باعث آشکار شدن حق می‌شود؛ طوری که دیگر چیزی از حق از ترس کسی مخفی نمی‌شود.»

## موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها

از شاخصه‌های مهم جامعه عصر ظهور و جامعه منتظر، مبارزه با بدعت‌هاست؛ چه بدعت در اصل دین و چه بدعت‌های مربوط به مهدویت و انتظار. اهمیت موضع‌گیری درباره بدعت از آنجا روشن‌تر می‌گردد که در روایات، یکی از صفات بارز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از بین برنده بدعت شمرده شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«با ظهور آن حضرت هر بدعتی که به وجود آمده باشد از بین خواهد رفت و همه سنت‌ها برپا می‌شود.»

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نکوهش بدعت فرموده‌اند:

«هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود، مگر آنکه سنتی ترک گردد؛ پس از بدعت‌ها بپرهیزید.»

## استقرار عدالت فراگیر

مشکل اصلی در جوامع امروزی، آتش ظلم و بیدادی است که بشر را در کام خود فرو برده است. بنابراین، همان‌گونه که ایجاد عدالت از اهداف اصلی همه پیامبران در آغاز رسالت بوده، سرلوحه برنامه‌های منجی عالم نیز خواهد بود. در عصر غیبت نیز جامعه‌ای که رو به کمال موعود گام برمی‌دارد باید برقراری عدالت را در رأس برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شدت متأثر از میزان تأمین عدالت در جامعه هستند. بشر در نظام عادل و دادگستر به درستی تربیت می‌شود، با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به حقوق دیگران احترام می‌گذارد. بشر در سایه این مسئولیت‌پذیری و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«چون قائم ما به پا خیزد... در میان خلق خدا به عدالت رفتار می‌کند.»

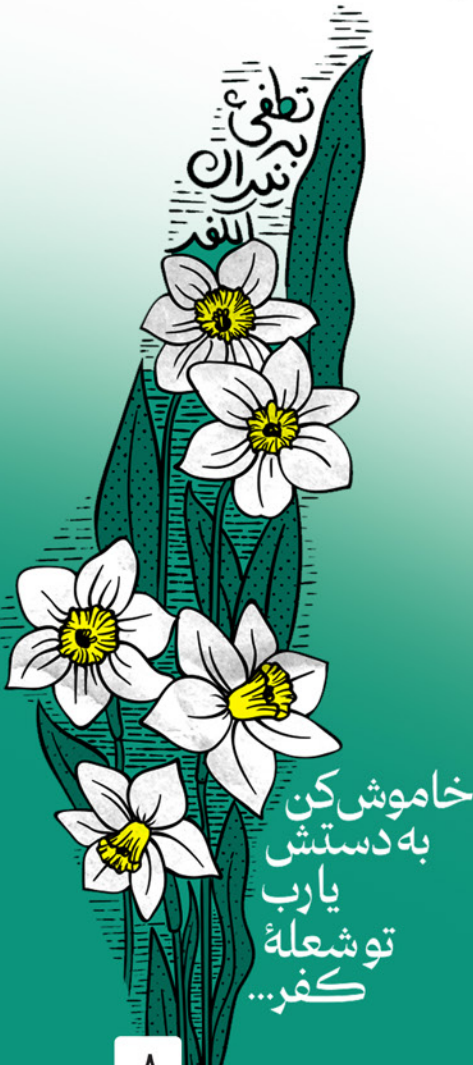
## حمایت از مستضعفان

در جامعه منتظر حاکمان باید دفاع از مظلوم و بازپس‌گیری حق مستضعفان از چنگ مفسدان را با اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، سرلوحه کار خود قرار دهند. در بعضی روایات آمده است:

«کار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف درباره پس‌گرفتن حقوق بدان جا رسد که اگر در بن دندان انسانی حق فردی دیگر نهاده باشد، آن را بازپس گرفته و به صاحب حق برمی‌گرداند.»

آن‌گونه که حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه آغاز خلافتش فرمود:

«هرجا که باشد حق ستم‌دیده گرفته می‌شود و به او بر می‌گردد.»



## تقدم ارزش های معنوی بر مصالح مادی

اصل زندگی انسان، توجه به خدا و رعایت معنویات است؛ زیرا آدمی در سایه معنویات به کمال حقیقی خویش رسیده، به هدف آفرینش نزدیک می شود. زندگی مادی وسیله ای برای رسیدن انسان به این هدف است. بر این اساس اگر به دست آوردن مادیات مانعی برای رسیدن به معنویات باشد و انسان مجبور شود که حتما یکی را به دست بیاورد باید معنویات را انتخاب کند. یعنی مادیات باید وسیله ای باشد که انسان را به معنویات که هدف اصلی است، برساند. در نتیجه، انسان باید وسیله را فدای هدف کند و از مادیات بگذرد. مباحث سیاسی جامعه نیز مستثنا از این امر نبوده و نگاه آدمی در عرصه تدبیر امور جامعه، باید این چنین باشد.

## منزلت نداشتن کارگزاران ناصالح در حکومت مهدوی

معیار عزل و نصب ها در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حق و عدل است. از این رو دولتمردان او همگی صالح و متمهد خواهند بود. هرکه با شیوه الهی او منطبق و هماهنگ نباشد، کنار گذاشته خواهد شد. با هیچ کسی بر سر معیارها و ارزش ها مصالحه نخواهد شد. با تمسک به این سیره، در جامعه منتظر نیز باید با اجتناب از رانت خواری و حزب بازی، کار را به افرادی که دارای تدین، تعهد و تخصص هستند، سپرد. از طرفی نیز بدون محافظه کاری و مماشات با مدیران فاقد این صفات برخورد کرده و شایستگان را جایگزین آن ها قرار دهیم.

## وفاق ملت ها و امت ها

در آخرالزمان، دشمنان دین با استفاده از شعار «اختلاف بیانداز، حکومت کن» تلاش می کنند جلوی رشد فزاینده اسلام را بگیرند یا حداقل آن را کند کنند. برای مقابله با این حربه دشمن، ملت اسلامی و دولتمردان در سراسر عالم وظیفه دارند با الگوگیری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدد ایجاد وفاق ملی و اتحاد اسلامی باشند. از این رهگذر می توانند اصل اسلام را از فتنه های آخرالزمانی محفوظ داشته و زمینه ظهور رهبر بزرگ اسلام را فراهم کنند. روش حکومت حضرت این چنین است: از امام صادق ع چنین نقل شده است:

«خداوند عزوجل به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می دهد و حال عموم مردم را بهبود می بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند.»

## پناهی برای مردم

مسئولان جامعه منتظر باید با تاسی به سیره امام در جامعه مهدوی در سختی ها و مشکلات، پناهگاه مردم باشند. آن ها باید تلاش کنند برای مردم، حتی غیرمسلمانان، جاذبه داشته و با سخنان و عملکرد خود، مردم را به سوی اسلام ترغیب کنند. روایت آمده است:

«امت مهدی به او پناه می برند همان گونه که زنبورها به دور ملکه خود می گردند.» همچنین در روایتی نقل شده است: «از میان امت من، مهدی قیام می کند، خداوند او را برای فریادری مردمان برمی انگیزاند.»

بنابراین مسئولان جامعه منتظر باید برای مردم از جهات مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی، در بعد فردی و اجتماعی به عنوان پناهگاه و نوعی تسلی خاطر در مشکلات روزمره زندگی باشند؛ نه اینکه با رفتار و روش زندگی خود، خاری در چشم افشار ضعیف جامعه شوند.

## جلب خشنودی مردم

کسانی که به حکومت یا مقامی رسیدند باید تا جایی که می توانند به امور مراجعه کنندگان رسیدگی کرده و آنان را خشنود کنند. همچنان که درباره حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم:

«در روزهای خلافتش، اهل زمین و آسمان و پرندگان هوا خشنود خواهند شد.»

حاکمان و مدیران در جامعه اسلامی باید میان مردم زندگی کرده و از وضع زندگی آنان آگاه باشند. اگر مدیران جامعه به سبب مصالح امنیتی و... نمی توانند میان مردم باشند وظیفه دارند ارتباط مردمی را حفظ کرده و از درد دل آنان آگاهی پیدا کنند.

## نظارت بر عملکرد کارگزاران

در یک نظام حکومتی، نظارت دقیق بر اجرای صحیح وظایف محوله به زیرمجموعه باعث افزایش امنیت روانی و اجتماعی افراد و جامعه و افزایش عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. لذا مدیران جامعه منتظر، باید با اقتدا به جامعه مهدوی برای گسترش عدالت در سطح جامعه منتظر، تلاش کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«از نشانه های مهدی، سخت گیری در برخورد با کارگزاران، بخشندگی مال، مهربانی و رحمت با تهیدستان است.»

## تلاش برای عمران و آبادی

جامعه منتظر باید جامعه ای آباد باشد و دولتمردان و مدیران باید برای رسیدن به این مهم، تلاش وافر انجام دهند.

امام صادق ع می فرماید:

«مهدی اصحاب خویش را در تمامی شهرها می پراکند و آنان را به عدالت فرمان می دهد. آنان را حاکمان مناطق مختلف قرار داده و دستور می دهد که به آبادانی و سازندگی شهرها بپردازند.»

جامعه منتظر باید برای آبادانی زمین و حفظ محیط زیست تلاش کند. باید بکوشد تا خود را به سطح مطلوبی از حیث توسعه علمی و فنی پایدار برساند. از این رهگذر است که زمینه ظهور حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می آید.»

# آسیب‌های فرهنگی موجود در جهان اسلام و نقش آموزه مهدویت در حل آن‌ها

این نوشتار در صدد تبیین نقش مهدویت و انتظار موعود در برطرف کردن آسیب‌ها و چالش‌هایی است که جهان اسلام را در معرض تهدید قرار داده است.  
حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان  
معاون پژوهش مرکز تخصصی مهدویت

## جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

مخالفتان جهانی‌شدن، این پدیده را یک شکل کردن جهان می‌شمارند. از نظر آنها این پدیده توسط بازیگران برتر جهانی برنامه‌ریزی شده و جهان را به سمت غربی‌شدن و به صورت خاص، آمریکایی‌شدن برده، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای خود را بر سایر جوامع تحمیل می‌کند.

در چنین فضایی مهم‌ترین بخش باورها، یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی افراد در جوامع اسلامی که از دین نشأت گرفته، به دگرگونی کامل دچار شده و خدا باوری جای خود را به انسان باوری می‌دهد؛ در نتیجه، آدمی و حیات دنیایی و مادی (حیوانی) او اول و آخر و حقیقت و پایه همه چیز شمرده می‌شود. در پی آن، بایدها و نبایدها، ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای انسان نیز بر اساس این هویت و باور شکل پیدا می‌کند. ارتباط مسلمانان با یکدیگر و هم‌گرایی و انسجام درونی آن‌ها نیز فرو پاشیده، ملاک پیوند با سایرین نه بر اساس دین اسلام و ارزش‌های دینی، بلکه بر پایه منافع شخصی و گروهی، البته با رویکرد جدید (دنیای غرب) می‌گردد.

نتیجه این رویکرد، اختلاف بین جوامع اسلامی و جدایی آن‌ها از یکدیگر، تنها گذاشتن سایر مسلمانان در برابر هجمه دشمنان، وقوع انواع درگیری‌ها و جنگ و کشتارها در بین ملت‌های اسلامی از یک سو و پیدایش تبعیض و فاصله طبقاتی، مصرف‌گرایی در طبقه برخوردار، گسترش فقر و خشونت و انواع نابسامانی سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در درون هر یک از کشورهای اسلامی، از سوی دیگر است.

## تفرقه و تقابل بین مذاهب اسلامی

از آسیب‌های مهمی که بلای جان جهان اسلام شده و از دیرباز حرکت جامعه را با کندی و حتی گاه با توقف و واگرایی دچار کرده این است که مسلمانان با فراموش کردن فرمان الهی مبنی بر اعتصام به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه به جای آنکه همچون ید واحد در کنار یکدیگر بوده و با تقویت وحدت و همدلی، صف واحدی را در برابر دشمنان اسلام تشکیل دهند، خودی را از غیر خودی تشخیص نداده، با روی آوردن به برخی مسایل فرعی، راه نفوذ دشمن بین صفوف مسلمانان را فراهم می‌آورند. تاریخ گذشته جهان اسلام و حوادث ناگواری که صفحات تاریخ را خون‌بار و ملامال از اندوه کرده از یک سو و وضعیت کنونی آن و وقوع انواع ستیزها و نزاع‌ها و جنگ و کشتارها از سویی دیگر، گواهی روشن و عیان بر این مطلب است.

## احساس حقارت و خودکمترینی

از ناامیدکننده‌ترین اتفاق‌هایی که می‌تواند رخ دهد این است که افراد آن جامعه خودشان را در برابر افراد جوامع دیگر، حقیر و پایین‌تر شمرده، با ازدست دادن غرور دینی و حتی غرور ملی، ارزش‌ها، رفتارها و سرمایه‌های معنوی و مادی خود را از دست بدهند.



شاید بتوان علت اصلی این حالت روحی اسفانگیز را عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی و یا کمتر توسعه یافتگی جوامع اسلامی برشمرد. این عارضه علاوه بر رنج‌ها و مصائب فراوانی که در جامعه پدید می‌آورد، هویت انسان را از درون آزار رسانده و خود را موجودی وا زده، محتاج و درجه دو و حقیر می‌شناسد. تعلق به شبکه‌های جهانی استعمار، شالوده‌های نامتناسب سیاسی، تشکیلات نامناسب اداری، حاکمیت جمود و جهل و بی‌سوادی از علایم و ویژگی‌های این گونه جوامع است.

## ارتداد

ارتداد به معنای رجوع و بازگشتن است. بازگشت به راهی که از آن آمده و در رجوع از امر مقدس به کار ناپسند مانند رجوع از اسلام به کفر به کار رفته است. از روایات پیش گفته می توان چنین برداشت کرد که ارتداد دو گونه قابل تصور است:

**ارتداد اعتقادی:** یعنی عده ای در اصل دین مرتد شده و اعتقاد خود را به اسلام از دست می دهند (تضل الخلق عن ادیانهم). برخی دیگر نیز هرچند، خود را مسلمان می دانند، ولی ایمان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از دست می دهند (یرجع عن هذا الأمر).

**ارتداد عملی:** یعنی برخی افراد هرچند در ظاهر معتقد به اسلام و نیز ولایت و امامت امامان اهل بیت علیهم السلام هستند، اما در عمل از هوا و هوس دنباله روی کرده و دل بستگی به دنیا و لذایذ و شهوات، آن چنان آنان را غافل کرده که در عمل ملتزم به دستورات دین و ولایت نیستند. این نوع دوری از دستورات دین، گاه به گونه ای تشدید می شود که اوامر دینی را ناکارآمد و مربوط به گذشته می پندارند.

## سست شدن باورها (انحراف از معارف اسلام)

رفتارهای انسان در عرصه زندگی فردی و اجتماعی که فرهنگ او جلوه گر است، بر پایه باورها و اعتقاداتی است که پذیرفته و بر اساس آن برنامه ریزی می کند. انحراف از آموزه ها و تغییر در آن ها به تحریف مفاهیم منجر شده و در نهایت، رفتارها را دگرگون کرده و همگام با آن راه را برای شکستن حریم الهی و نافرمانی دستورات خداوند هموارتر می کند. در نتیجه، انسان واجبات را ترک کرده و مرتکب محرمات می شود.

## دنیابگرای و نگاه اصالتی به دنیا

برخورداری از یک نوع جهان بینی، نقشی مهم و تعیین کننده در زندگی انسان ها دارد... اگر انسان به این جهان با نگاه اصالتی بنگرد و آغاز و پایان زندگی خود را در همین دنیا بداند، طبیعی است که به دنبال کسب لذت و بهره بیشتر از دنیا رفته تمامی برنامه های خود را در راستای تحصیل منافع بیشتر دنیوی چیدمان می کند. در حالی که در دیدگاه دیگر و با اصالت بخشی به زندگی ابدی، انسان دنیا را مقدمه آخرت و محلی برای کاروتلاش سازنده بر اساس برنامه تدوین شده، قلمداد کرده و برای نیل به آن حیات پاک، از خوشی های زودگذر و همراه با ناگواری های روحی دنیا به آسانی می گذرد. در این جهان بینی است که مفاهیمی مانند گذشت و ایثار، محبت، کرامت انسانی، چشم پوشی از حق خویش برای رعایت حال دیگری و... از اصول زندگی انسان ها می شود.



## انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و حل مشکلات و آسیب ها

از جمله موضوعاتی که در اندیشه شیعی و منظومه معارف مهدوی جایگاه مهمی دارد، انتظار دولت آرمانی و حکومت عادلانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

در روایات فراوانی به انتظار و نقش مهم و کلیدی آن برای گذر از دوران آخرالزمان، عبور از وقایع اسف بار آن و رسیدن به دروازه ظهور منجی اشاره شده است.

## .....حقیقت انتظار

تأمل در روایات نشان می دهد: حقیقت «انتظار»، تحرک و پویایی است و تلاشی برای بهتر شدن، تکامل یافتن و همیشه پویا زیستن است. جامعه منتظر، جامعه ای پویا، رو به تکامل و متمایل به بهتر و انسانی زیستن است. فرد منتظر همیشه در حال گریز از وضع موجود و تلاش برای فردایی بهتر از امروز است. از همین جهت باید بر ضد شرور بشورد تا جامعه برای ظهور و حضور مصلح موعود آماده شود.

دوران آخرالزمان، دوران سختی است که نه تنها شیعه و جامعه اسلامی؛ بلکه همه مردم دین مدار و معتقد به منجی، در فراق موعود مهربان خود سپری می کنند.

امید به آمدن او، دل ها و جان ها را شور و نشاط می بخشد و تحمل سختی ها و دشمنی ها را آسان می کند. این امید و آرزوی ظهور که همیشه و همه جا برای انسان های مؤمن، نجات بخش و راهگشا بوده، در روایات اسلامی، «انتظار» نامیده شده است. انتظاری که منتظران را به امام موعود خود وصل کرده، مرهمی بر زخم فراق ایشان است.

## عناصر کلیدی انتظار

انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف عناصر و ویژگی هایی دارد که می تواند بهترین راه حل برون رفت از مصائب و مشکلات جهان اسلام به شمار آید. در این میان، دو عنصر، اصلی تر و کارآمدتر به نظر می آید.

یک. آینده معلوم و حتمی (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محور وحدت)

باور به ظهور، عقیده ای است که در متن نصوص اولیه اسلامی اعلام و عنوان شده است. برحسب احادیث متواتر که شکی در تواتر و صدور آن ها از پیامبر صلی الله علیه و آله نیست نیز، آن بزرگوار از این ظهور خبر داده و امت خود را در انتظار آن روز بزرگ و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گذاشته است. این عقیده مثل سایر عقاید اصیل و اصلی اسلامی از طرف خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله به مردم عرضه شده و ایمان به آن حضرت، مقتضی ایمان و باور به این ظهور است.

دو. وظایف و برنامه ها

بعضی از وظایف منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین می توان برشمرد:

## وظایف فردی و اخلاقی

الف) سنخیت با موعود

به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد.

ب) پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است. قرآن می فرماید: «اگر می خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید.» این قانون در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برقرار است.

ج) یاد منتظر

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی شود و پیوسته در فکر و اندیشه او به سر می برد. روایت شده وقتی امام موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ فرمود: «بله، شخص او از نگاه های مردم غایب می شود؛ ولی یاد او از دل های مؤمنان پنهان نمی شود و او دوازدهمین نفر از ما است.»

د) اظهار محبت و موذت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آله درباره لزوم دوستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوست دار حضرت حجت، صاحب الزمان منتظر باشد.»

ه) صبر و بردباری

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «از آیین امامان تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی است.» همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما (ظهور مهدی) باشد و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز) در جرگه ما خواهد بود.»

## وظایف دینی و اعتقادی

الف) ثبات قدم در دین داری

پیروی از فرامین الهی، پافشاری بر شاخص های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق مدار بودن، تقویت ایمان داشتن ثبات قدم در دین داری، گرفتار نشدن در دام بدعت ها و انحرافات و... از بایسته های اساسی دوران قبل از ظهور است.

ب) شناخت و معرفت امام  
شناخت امام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی چنین آمده است: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است». این معرفت، هم شامل نام و نسب، هم اوصاف و ویژگی ها و هم اهداف و برنامه های خود.

## وظایف سیاسی و اجتماعی

الف) حق خواهی و حق مداری

با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود. منتظری که طالب ظهور موعود است، نه تنها حق خواه بوده و از راه باطل اجتناب می کند، بلکه تلاش می کند دیگران نیز در این مسیر حرکت کنند.

ب) اتحاد و همدلی

مهم ترین چیزی که در دوران غیبت بر هر مسلمان طالب ظهور واجب است، حفظ یکپارچگی و اتحاد مسلمانان و پای بندی ایشان به فرمان خداوند مبنی بر اعتصام به حبل الهی و عدم تفرقه است.

ج) رعایت حقوق دیگران

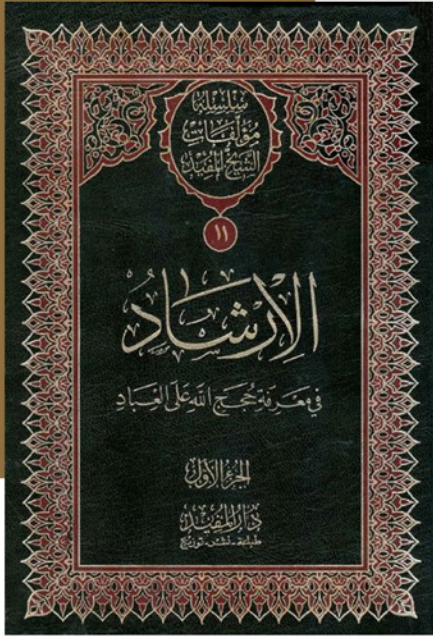
از مهم ترین امور در زندگی محبان و منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است.

گروهی از شیعیان خدمت امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده و از ایشان درخواست نصیحت کردند. حضرت فرمود: «از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما درباره دیگری خیرخواهی کند... اگر شما چنین بودید که به شما سفارش کرده ایم و از این حدود تجاوز نکنید و پیش از ظهور قائم ما کسی از شما بمیرد، شهید از دنیا رفته است.»

## آشنایی با منابع دست اول شیعه

### الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

حجت الاسلام عبدالکریم پاک نیاتبریزی



این کتاب از مهم ترین منابع معتبر شیعه در زمینه تاریخ زندگانی ائمه علیهم السلام، و محل مراجعه محققان سیره اهل بیت علیهم السلام و مشتاقان تاریخ آن گرامیان است. افزون بر آن، ارشاد مفید، مستند اکثر منابع بعد از خود و مهم ترین منبع در موضوع امامت به شمار می آید.

مبلغان ارجمند نیز از این منبع تاریخی، حدیثی و امام شناسی، هرگز بی نیاز نیستند و با مطالعه آن، بسیاری از اطلاعات و گمشده های خود را در این مجموعه ارزشمند خواهند یافت، این اثر در میان دانشمندان اسلامی، چنان مشهور است که علامه مجلسی می نویسد:

«کتاب ارشاد، مشهورتر از مؤلف خود است.» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۷)  
شیخ مفید که یکی از چهره های سرشناس شیعه در طول هزار سال گذشته است. این اثر ارزشمند را در قرن چهارم هجری پدید آورده و به دوستان اهل بیت علیهم السلام تقدیم کرده است.

#### در بخش دوم کتاب به تاریخ دیگر

امامان معصوم علیهم السلام می پردازد که عبارت اند از:

باب تاریخ امام حسن مجتبی علیه السلام.

باب تاریخ امام حسین علیه السلام

تاریخ الإمام علی بن الحسین علیه السلام و فضله

باب تاریخ الإمام محمد بن علی الباقر علیه السلام و فضله

تاریخ الإمام الصادق علیه السلام و فضله

تاریخ الإمام موسی بن جعفر علیه السلام

تاریخ الإمام علی بن موسی الرضا علیه السلام

تاریخ الإمام جواد علیه السلام

باب تاریخ الإمام الهادی علیه السلام

تاریخ الإمام الحسن العسکری علیه السلام و فضله

باب تاریخ الإمام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام و فضله

مؤلف درباره انگیزه نگارش این کتاب که به درخواست یکی از یاران خود نگاشته است می فرماید:

به توفیق و یاری خدا در این کتاب، آنچه را که اثبات آن را درخواست کرده بودی، بیان خواهم کرد. از نامهای امامان هدایت علیهم السلام و تاریخ عمر و مدت زندگانی آنها گرفته تا مکان شهادتشان و نام

های فرزندانشان و شمه ای از فرازهای زندگی آنها، که باعث آگاهی بر احوال آنهاست؛ تا درباره آنان معرفت بیش تر و کامل تری پیدا کنی و در میان اظهار نظرها و عقیده های گوناگون درباره آنها، فرق بگذاری و بتوانی مطالب شبهه ناک را از حقایق ناب تشخیص دهی، و در این باره همانند مردمان با انصاف و دیندار، بر گفتار حق و درست تکیه کنی. من به یاری خداوند به درخواست تو پاسخ مثبت می دهم و چنان که خواسته ای، اختصار و اجمال را در این باره مراعات خواهم کرد و اعتمادم بر خداست و هدایت شدن به راه راست را از او خواهانم. (الإرشاد، ج ۱، ص ۴)

این کتاب با اینکه منبع روایی و حدیثی مستند است؛ اما شیخ مفید به نکات تاریخی و عقیدتی نیز در آن می پردازد.

نکته دیگر اینکه، بخش اول کتاب که حدوداً نیمی از کتاب است، به زندگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص دارد و این، حاکی از اهمیتی است که شیخ مفید برای آن حضرت قائل بوده است.

ارزش این کتاب، زمانی نمایان می شود که بدانیم، مؤلف الارشاد، این اثر ارزشمند را در سال ۴۱۱ هجری، در اوج شهرت علمی و کمالات معنوی و دو سال قبل از رحلت خود نگاشته است.

#### موضوعات کتاب

در بخش اول، بعد از مقدمه کوتاهی درباره علت و ضرورت تألیف کتاب، وارد باب اول می شود که درباره تاریخ امیر مؤمنان علیه السلام است. در این باب، فصل های مختلفی در موضوعات ولادت، خانواده، مبارزات و حضور در صحنه های مختلف نبرد با اهل باطل، دلایل ولایت، امامت و وصایت، علم و دانش، بیعت مردم با امام علیه السلام و خلافت ظاهری، فضایل و مناقب، قضاوتها، جریان مباحثه، سخنان، نامه ها، خطبه ها و مواعظ، و... آمده است.







## جایگاه علمی مؤلف

این دانشمند فرزانه در عرصه‌های مختلف علمی از جمله کلام، فقه، حدیث و تاریخ سرآمد عصر خود است. ابن ندیم در فن دوم از مقاله پنجم «الفهرست» که درباره متکلمان شیعه بحث می‌کند، از او به عنوان «ابن المعلم» یاد می‌کند و او را می‌ستاید. (الفهرست، ص ۲۲۶) شیخ طوسی، یکی دیگر از شاگردان مفید می‌گوید: او از متکلمان شیعه است که در زمان او ریاست شیعه به وی منتهی شد، و در علم و صناعت کلام، مقدم بر دیگران و در فقه نیز سرآمد فقه‌های زمان بود.

او متفکری سریع الانتقال، با فطانت و حاضر جواب بود و نزدیک به دویست جلد کتاب کوچک و بزرگ تألیف کرد. (الفهرست، ص ۱۵۸)

## خاطره‌ای شیرین درباره لقب «مفید»

روزی قاضی عبدالجبار معتزلی، یکی از بزرگان اهل سنت و دانشمند نامدار در علم اصول و کلام، در مجلس درس خود نشسته بود و با دانشمندان شیعه و سنی حاضر در مجلسش گفتگو می‌کرد.

شیخ مفید که در آن موقع، مجتهد معروف شیعه بود و قاضی عبدالجبار نامش را شنیده بود؛ ولی تا آن روز او را ندیده بود به مجلس وی آمد و در پایین مجلس نشست. پس از لحظه‌ای، رو به قاضی کرد و گفت: «اگر اجازه دهی سؤالی است که بپرسم؟» قاضی گفت: «پرس!» مفید گفت: «این حدیثی که شیعیان روایت می‌کنند پیغمبر ﷺ در روز غدیر فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» صحیح است یا شیعه آن را ساخته‌اند؟» قاضی گفت: «صحیح است». مفید گفت: «مقصود از مولی چیست؟» قاضی گفت: «مقصود، اولویت و آقایی است». مفید گفت: «اگر چنین است پس این همه اختلافات میان شیعه و سنی برای چیست؟» قاضی گفت: «ای برادر! این حدیث (غدیر) روایت است و چیزی است که نقل شده است؛ ولی خلافت ابوبکر درایت و امری مسلم است و مردم عاقل برای یک روایت، درایت را ترک نمی‌کنند.» مفید از این سؤال صرف نظر کرد و با طرح سؤال دیگری پرسید: «چه می‌گویید در این حدیث که پیغمبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سَلْمُكَ سَلْمِي»؛ جنگ با تو جنگیدن با من است و صلح و سازش با تو صلح با من است؟» قاضی گفت: «صحیح است». مفید گفت: «با این حدیث درباره اصحاب جمل (که با امیر مؤمنان علیه السلام جنگ کردند) چه می‌گویید؟» قاضی گفت: «ای برادر! آنها توبه کردند.» مفید فرمود: «جنگ جمل، درایت و امری مسلم است؛ ولی توبه آنها روایت و شنیدنی است، و خود شما لحظه‌ای پیش گفتی: مردم عاقل برای روایت، ترک درایت نمی‌کنند؟!» قاضی سخت در جواب فروماند و نتوانست پاسخی بگوید گفت: «تو کیستی؟» مفید فرمود: «خادم شما محمد بن محمد بن نعمان هستم.» قاضی برخاست و دست شیخ مفید را گرفت و بر جای خود نشانید و گفت: «أَنْتَ الْمُفِيدُ حَقًّا؛ واقعا که تو برای جامعه اسلامی مفیدی.» (ارشاد مفید، مقدمه، ص ۱۷)

## محبوب حضرت مهدی

شیخ همواره در راه خدمتگزاری به حضرت و آبای گرامی اش تلاش می‌کرد و به دلیل پاسداشت این خدمات به توقیعات، شریف از آن ناحیه مقدسه مفتخر شد. امام مهدی در آن توقیعات، شیخ مفید را باشایسته‌ترین عبارات، می‌ستاید.

در آغاز یکی از آنها چنین آمده: «برای برادر استوار [در امامت]، دوست رشد یافته، شیخ مفید...، سلام بر توای دوستدار مخلص در دین که در ولایت ما مخصوص به یقین شده‌ای، پس از ستایش و حمد خداوندی که معبودی جز او نیست و درود به سید و مولی و پیغمبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ، و اهل بیت طاهرین او، خداوند، توفیقت را در یاری از حق، مستدام فرماید و پاداشت را در نشر علوم ما به راستی زیاد و فراوان کند... بدان که خداوند به ما رخصت داده است تا تو را به نامه‌نگاری مشرف سازیم و دستور دهیم احکام ما را به دوستانمان. که نزد تو هستند. برسانی. خداوند آنان را به طاعت خود عزیز فرماید و با رعایت و حراست خود، مهم آنان را کفایت فرماید.»

شیخ مفید پس از سالها تلاش و خدمات ارزنده به دین مبین اسلام به ویژه به فرهنگ تشیع، در سال ۴۱۳ هجری، در بغداد درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم، علما و فضلا قرار گرفت.

و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه دفن شد.

(خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال،

ص ۱۴۷)

## لزوم رجوع به فقها در عصر غیبت

حجت الاسلام علی اصغر رضوانی

قال مولانا الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف :

«أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ عَلَيَكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>  
اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم.

شرح...

این حدیث، از جمله مطالبی است که امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب فرموده اند. در این حدیث شریف، حضرت به وظیفه‌ی شیعیان در حوادث پیش آمده در عصر غیبت اشاره کرده اند. حضرت، شیعیان را برای فهمیدن احکام شرعی و سایر مسائل اجتماعی، به **راویان احادیث**، که همان فقهای شیعه هستند، ارجاع می دهد؛ زیرا آنان هستند که احادیث را خوب فهمیده اند، و عام و خاص، محکم و متشابه، و صحیح و باطل را می شناسند.

«**روایات حدیث**» از نظر حضرت کسانی نیستند که روایت را فقط نقل می کنند بدون این که آن را درست بفهمند؛ زیرا چنین افرادی، نمی توانند گره از مشکلات فقهی و... بگشایند. رجوع به فقها در عصر غیبت، نه یک امر مستحب، بلکه یک **واجب شرعی** است؛ زیرا، آنان منصوب امام برای این کار هستند و از فرمان حضرت نمی توان [و نباید] تخلف کرد.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۱۰؛ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

# غیبت کبرا و نیابت عام

## قسمت اول

### حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

#### غیبت صغرا

دوران غیبت صغرا که برخی آغاز آن را از همان ابتدای ولادت و برخی از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دانسته اند، در واقع نوعی آماده سازی برای غیبت طولانی بود و غیبت طولانی نیز مقدمه ظهور و حضور ظاهری آن حضرت در جامعه انسانی است.

غیبت صغرا، دورانی لازم و ضروری بود که به حکمت خداوند، در تاریخ شیعه رقم خورد، تا جامعه شیعی را به کامل ترین صورت ممکن مہیای فصلی تازه از زندگی خود کند. از مہم ترین ویژگی های این دوران، تعریف ارتباط با حضرت مہدی علیه السلام در نیابت خاص است.

در این دوره، حضرت به واسطه ۴ نفر نایبان خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می داد. این امور، افزون بر مسایل مالی، شامل مسائل عقیدتی و فقهی نیز می شد.

رابط های میان آن حضرت و شیعیان، ۴ نفر از اصحاب با سابقه و مورد اعتماد امامان پیشین بودند که یکی پس از دیگری این وظیفه مہم را بر عهده داشتند.

آنان، به «نواب خاص» آن حضرت معروفند.

یکی از بحث های حساس، مہم و اساسی مربوط به دوران غیبت حضرت مہدی علیه السلام، بحث حاکمیت اسلامی در این دوران است. در این باره، میان اندیشوران شیعه، دو دیدگاه متفاوت پدید آمده است.

برخی از فقیهان شیعه، عقیده دارند که تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. این گروه، با بهره مندی از سخنان پیشوایان معصوم علیہم السلام، بر این باورند که فقیهان عادل، باید پایش گذاشته، به این مہم جامه عمل بپوشانند و اگر یکی از آنها چنین کرد، بر دیگران است تا از او حمایت و پیروی کنند.

عده ای دیگر بر این گمانند که برپایی حکومت اسلامی، از ویژگی های پیشوای معصوم علیہ السلام بوده، دیگران را در این عرصه، نه فقط توانی نیست؛ که مجالی هم نیست. از اینرو نمی توان در دوران غیبت، حکومت اسلامی تشکیل داد. پایش از ورود به بحث، لازم است مقدمه ای کوتاه را یادآور شویم:

همزمان با مطرح شدن اصل غیبت برای حضرت مہدی علیہ السلام از طرف معصومین علیہم السلام در روایاتی غیبت حضرت مہدی علیہ السلام به دو بخش کوتاه و بلند تقسیم می شود، که هر یک دارای ویژگی های خاصی است.

این مطلب با تعبیرهای متفاوتی در سخنان معصومین علیہم السلام به چشم می خورد: زراره می گوید: از امام صادق علیہ السلام شنیدم که می فرمود:

«همانا برای قائم دو غیبت است که در یکی از آنها [به خانواده اش] بر می گردد و در دیگری دانسته نیست کجا است. [هر سال] در مناسک حج حاضر می شود، مردم رامی بیند، در حالی که مردم او را نمی بینند.»

(الغیبة، نعمانی، ص ۱۷۵، ج ۱۵)

امام صادق علیہ السلام در روایتی به کوتاه و بلند بودن دو غیبت امام اشاره کرده است:

«برای قائم، دو غیبت است: یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری دراز مدت. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص، از جایگاه او کسی خبر ندارد و در دیگری جز خدمتکاران ویژه آن حضرت، کسی از مکانش، آگاه نیست.»

(الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰)

لازم به یادآوری است که آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خویش نیز نوعی پنهان زیستی داشته است و به گونه ای نبوده که همگان بتوانند آن حضرت را ملاقات کنند. همین باعث شده است که برخی غیبت آن حضرت را از هنگام ولادت ایشان بدانند. (الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰)



این افراد، با وکیلان حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و نامه‌ها و خواسته‌های شیعیان را به محضر مقدس او می‌رساندند و در جواب، توفیقاتی از طرف آن حضرت صادر می‌شد.

نکته قابل توجه آنکه در این دوره، نه فقط شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده‌ها پنهان بود، بلکه بیش تر سفرای ایشان نیز به طور ناشناس و بدون آن که جلب توجه کنند، عمل می‌کردند. نیابت خاص، بدان سان بود که امام، شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و خصوصیات، او را معرفی کند. بر خلاف «نواب عام» که در غیبت کبرا مطرح می‌شود.

### غیبت کبرا

با پایان یافتن دوران غیبت صغری در سال ۳۲۹ ق. و رحلت چهارمین سفیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت نیز ادامه خواهد یافت.

از این دوران در روایات با عنوان «غیبت تامه» یاد شده و اصطلاح «غیبت کبرا» در روایات نیامده است؛ اگر چه در برخی روایات اشاره شده است که از دو غیبت حضرت، یکی کوتاه و دیگری دراز مدت است. برخی ویژگی‌های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می‌سازد، عبارت است از:

#### **طولانی بودن و نامعین بودن مدت این دوران:**

بر خلاف غیبت صغری، این غیبت، زمانی طولانی را در بر خواهد گرفت.

#### **نامشخص بودن پایان آن:**

دوره غیبت کبرا محدود خواهد بود؛ اما پایان آن نامشخص است و جز خداوند، کسی از آن آگاهی ندارد.

#### **قطع ارتباط ظاهری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران:**

به گونه‌ای که ارتباط موجود در غیبت صغری در این دوران وجود نخواهد داشت.

#### **عام بودن نیابت در این دوران:**

بر خلاف دوران غیبت صغری که ارتباط مردم با آن حضرت، از راه نواب خاص صورت می‌گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم، نایبان عام آن حضرت هستند. در این دوران، مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، و وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارند.

#### **فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین:**

از ویژگی‌های مهم این دوران، گسترش ستم است، که هر چه به گاه ظهور نزدیک تر می‌شود، بر شدت آن افزوده می‌شود.

#### **شدید شدن آزمایش‌های الهی:**

اگر چه از سنت‌های الهی در همه دوران‌ها امتحان و آزمایش‌های بندگان است؛ اما به دلیل‌هایی این امتحان‌ها در دوران غیبت کبرا شدت بیش تری می‌یابد؛ به ویژه در آستانه ظهور، این امتحان‌ها جدی تر می‌شود.

بنابراین، نیابت عام در جایگاه یکی از ویژگی‌های دوران «غیبت کبرا» دارای اهمیت است.



# کالبدشکافی فرهنگی

عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی  
در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی

حجت الاسلام علی مؤیدی

دو. تطبیق نادرست علایم ظهور خود تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب نیست؛ بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن يك یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحی روایات مطرح می‌کنند؛ یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند. این تذکر لازم است که در روایات، تشخیص مؤلفه‌ها و علایم سپاه حق و باطل به عهده علمای راستین گذاشته شده است.

سه: توفیق

یکی دیگر از آسیب‌ها، تعیین وقت ظهور است. چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور بر بندگان مخفی بماند. لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. یکی از عوامل پیدایش بابیت دادن وعده ی قریب الوقوع بودن ظهور توسط شیخ [احمد] احساسی و سید کاظم رشتی بوده است بطوری که رشتی ادعا می‌کرد زود است پس از من امام غایب، ظاهر گردد و روح امام در قالب شخص معینی ظاهر خواهد شد. می‌گفت بسا امام در میان شماها باشد و تأکید می‌کرد بر يك يك شماها لازم است شهرها را بگردد و ندای امام غایب را اجابت کند.

مهدویت یکی از مهمترین فرصت‌ها به جهت نجات بشریت و امیدبخشی به منتظران ظهورش جهت صبر و تحمل نارسایی‌ها می‌باشد و همچنین از جذابیت بالایی برای جذب اقشار مختلف جامعه برخوردار می‌باشد. لذا دنیا طلبان و ریاست طلبان نهایت سوء استفاده را می‌کنند و با طرح ادعای مهدویت و یا بابیت و غیره جمعی را به خود جذب کرده و جریانات انحرافی را شکل می‌دهند لذا به جهت پیشگیری از به وجود آمدن جریانات انحرافی در حوزه مهدویت ضروری است که عوامل و بسترهای پیدایش این جریانات شناخته شود تا بتوان در مقابله با آنان، ابزارها، شیوه‌ها و راهکارهای متناسب و پیشگیرانه ارایه کرد.

## عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی

یک: عدم شناخت و عدم توجه به نشانه‌های حتمی ظهور

ظهور حضرت نشانه‌های حتمی و غیر حتمی دارد که ایشان را از مدعیان متمایز می‌کند و در تمام جریان‌ها بخاطر عدم معرفت و یا عدم التفات و توجه مردم به لزوم رخ دادن نشانه‌های حتمی ظهور، دچار انحراف گردیده‌اند. در همه جریانات انحرافی اگر مردم از نشانه‌های حتمی ظهور، جهت معیارسنجی و نشانه صدق و کذب جریانات انحرافی از مهدویت اصیل، بهره می‌برند، هیچگاه جریان انحرافی در حوزه مهدویت صورت نمی‌گرفت؛ زیرا تاکنون در هیچ يك از ادعاهای مدعیان، علایم حتمی ظهور یعنی صیحه آسمانی، خروج یمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء و قتل نفس زکیه، رخ نداده است. چنانچه در جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری که مدعی است همان یمانی موعود است دیده می‌شود که علت پیدایش این جریان، عدم شناخت کافی پیروان نسبت به علایم حتمی ظهور است؛ زیرا طبق روایات، یمانی اهل یمن است و از آنجا خروج می‌کند، در حالی که احمد اسماعیل بصری از اهالی بصره عراق است و از آنجا حرکتش را آغاز کرده است.

و از طرف دیگر، نشانه‌های حتمی ظهور در یکسال رخ می‌دهند و در شش ماه قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می‌دهند که هیچ کدام در جریان احمد بصری رخ نداده است.]



## هفت: عدم تشخیص الهامات شیطانی از الهامات ربانی

ابن حجر در مورد ادعای مهدویت احمد بن عبدالله هاشم معروف به ملثم نوشته که در سال ۶۸۹ق گفت: خداوند را بارها ملاقات کرده و به آسمان های هفتگانه به معراج رفته، و خدا به او گفته است که او همان مهدی است و نیز رسول الله را دیده و او نیز گفته که او از نسل من و همان مهدی است.

ابن تیمیه نیز می گوید: در روزگار ما تعدادی از مشایخ را می شناسم که زاهد و عابدند و هر کدام بر این باورند که مهدی هستند؛ چرا که آنان بر این باورند که خدا آنان را به این نام مخاطب ساخته، در حالی که شیطان آنان را مخاطب ساخته است. یکی از آنان احمد بن ابراهیم بوده است. به او گفته می شود: احمد و محمد در واقع يك اسم هستند، و ابراهیم خلیل نیز جد رسول الله بوده، نام پدر تو نیز ابراهیم است. بدین ترتیب نام تو همنام پیامبر و نام پدر تو همنام پدر پیامبر است. بدین ترتیب مهدویت او ثابت می شود.

## هشت: القائات سوء اطرافیان

سید احمد بن محمد بریلوی با ادعای مهدویت و اصلاح امور در هند ظاهر شد. علت ادعایش، القایات استادش شاه ولی الله دهلوی بود که سبب شد او خود را صاحب الزمان و مهدی منتظر بداند؛ کسی که باید اوضاع مسلمانان هند را اصلاح کند. وی متأثر از حرکت وهابیون بود، توانست شمار زیادی از مردم را به سوی خود جلب کند، آن چنان که مهدویت او را بپذیرند. کار او نشر تفکر وهابیت در هند تحت پوشش جریان اصلاحی و مهدویت بود.

## چهار: عدم درک صحیح از مفهوم انتظار

برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی، منحصر دانسته و بیش تر از آن، وظیفه ای برای خویش قایل نیستند. گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی تابند. چون معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آن ها بر نمی آید و تکلیفی بر عهده ندارند، و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، هنگام ظهور کارها را اصلاح می کند. پندار گروه سوم چنین است که: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور - که دنیایی پر از ظلم و فساد است - فراهم آید. گروه چهارم، انتظار را چنین تفسیر می کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آن ها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هرچه پیش تر فراهم گردد. دیدگاه پنجم، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام می داند و می گوید: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است» با این استدلال که در روایات آمده است:

«هر علم و پرچمی قبل از ظهور قانت عجل الله تعالی فرجه الشریف باطل است.» جریان حجتیه به خاطر همین برداشت غلط از مقوله انتظار - و عدم اعتقاد به انتظار فعال و لزوم حرکت سیاسی و دخالت در امور جامعه - بوجود آمد و دچار انحراف شدند.

## پنج: تأویل گرای

تأویل گرای منجر به توقیت و یا تطبیق و انحرافات دیگر می شود که خود عاملی برای پیدایش جریانات انحرافی می باشد. در بسیاری از جریانهای انحرافی نوعی تأویل گرای دیده می شود، ظاهر برخی نصوص را بر اساس اهداف خود تأویل می کنند از جمله فرقه ی یمانی (احمد بصری) پرچم حضرت را به حاکمیت خداوند و سلاح را به علم، تأویل می کنند. یا برزنجی «صیحه آسمانی» را به رادیو و «اشراق زمین به نور پروردگار در زمان ظهور» را به اختراع برق تأویل می کرد. شخص دیگر، فضل الله حررفی است که سخت گرفتار تأویل بوده و متهم شد که فروعات فقهی را حذف کرده است و سال ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از زمان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه حروف بسم الله می دانست ...

## شش: خلأ معنویت و عرفان ناب اسلامی در جامعه

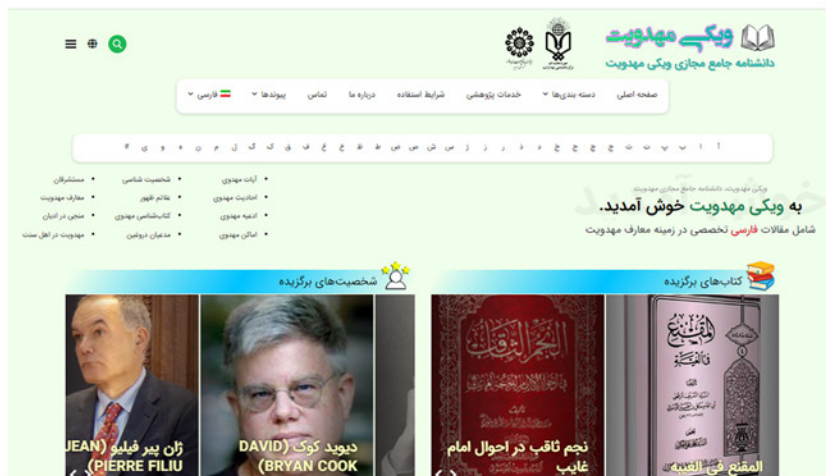
یکی از عوامل ایجاد جریانات انحرافی، خلأ مباحث معنوی و عرفان اسلامی در جامعه خصوصاً معارف جذاب مهدویت است که زمینه را برای مدعیان فراهم می کند. مردم بخصوص قشر مذهبی علاقه زیادی به مباحث عرفانی و مهدوی دارند و چون افراد متخصص و مباحث ناب عرفانی در جامعه کم رنگ است مدعیان براحتی از این فضا بهره می برند.

<http://www.wikimahdaviat.ir>

## ویکی مهدویت؛ دانشنامه مجازی مهدویت در کشور

وی ادامه داد: مطالب متنوعی در حوزه های مختلف مهدویت تهیه شده و در حال تهیه است که در بخش های عقاید، معارف و سیره، جامعه و مهدویت، کتب و مقالات ارائه شده اند. به طور مثال در بخش عقاید، موضوعاتی همچون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له در قرآن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له در نزد اهل سنت، پرسش و پاسخ، شناخت امام و پاسخ به شبهات ارائه شده است. در بخش معارف و سیره نیز به موضوعاتی چون احادیث مهدوی، حکومت جهانی، جهان پس از ظهور، دشمن شناسی، سبک زندگی منتظرانه، علایم ظهور و ... پرداخته شده و بخش جامعه و مهدویت نیز به موضوعاتی مانند غرب و مهدویت، ولایت فقیه، تشریف و دیدار و ... می پردازد.

پایگاه اینترنتی «ویکی مهدویت» به همت بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له شهرستان امیدیه و حمایت مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه فعالیت مجازی خود را با هدف معرفی فرهنگ مهدویت آغاز کرد. هم اکنون این دانشنامه مجازی، محتوای خود را به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار داده است.



با کلیک روی کد بالا و یا اسکن آن می توانید وارد سایت ویکی مهدویت شوید.

دسته بندی محتوایی این دانشنامه شامل؛ آیات مهدوی، احادیث مهدوی، ادعیه مهدوی، اماکن مهدوی، شخصیت شناسی، علائم ظهور، کتاب شناسی مهدوی، مدعیان دروغین، مستشرقان، معارف مهدویت، منجی در ادیان و مهدویت در اهل سنت است. علی طاعتی، مسئول بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له شهرستان امیدیه، می گوید: راه اندازی سایت «ویکی مهدویت» یکی از تلاش های این مجموعه است که از سال گذشته آغاز شد و در حال حاضر ۱۰۰ مدخل در موضوعات مختلف مهدوی روی این پایگاه قرار گرفته است و این محتوا همچنان به تدریج در حال اضافه شدن است. طاعتی با بیان اینکه ساختار ویکی هایک ساختار تخصصی است، اظهار کرد: با توجه به خلأ پایگاه تخصصی در زمینه مهدویت تفاهم نامه ای با مرکز تخصصی مهدویت در قم منعقد شد. مدخل های موجود به زبان فارسی از طریق مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم در اختیار پژوهشگران ما قرار می گیرد و پژوهشگران آن ها را به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه می کنند. هدف این است که این پایگاه به تخصصی ترین دانشنامه مجازی مهدویت کشور است تبدیل شود تا مطالب آن برای طلاب و دانشجویان قابل استفاده است.

حجت الاسلام حسینعلی عبداللہی

## بازبینی روز «نہم ربیع الاول» در نظریہ های فقہاء شیعہ

نوشتار حاضر می‌کوشد تا نگاهی تازه به نظریہ فقہاء شیعہ در مورد روز نہم ربیع الاول داشته باشد تا مامبلغان مہدوی به اہمیت و سپس بہ تبلیغ این روز در محافل عمومی آنہم با رویکردہای امروزی بپردازیم. انشاء اللہ.

- محدث نوری و دیگران بہ نقل از شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ آورده اند: «روز نہم این ماہ (یعنی ربیع الاول) روز عید بزرگ است و شرح مفصلی دارد کہ این جا مجال بیان آن نیست. پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم این روز را عید گرفتند و بہ مردم نیز دستور دادند آن را عید بگیرند»<sup>۱</sup>.
- مرحوم صاحب جواهر آورده است: «امروزہ در میان شیعیان معروف است کہ این اتفاق در نہم ربیع الاول رخ داده است. من بہ خبر مسندی از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم برخوردیم کہ درباره فضیلت و شرافت و برکت این روز است و نشان می‌دهد کہ این روز، روز شادی اہل بیت علیہم السلام است...»<sup>۲</sup>.
- علامہ مجلسی در بحار آورده است: «در میان کتاب‌هایی کہ مورد تتبع قرار دادیم چندین روایت موافق این مضمون یافتیم و بر آنہا اعتماد کردیم. از این رو بزرگداشت این روز و اظہار شادی در آن بہ نحو مطلق شایسته است... و خوب است این روز مجازاً عید خواندہ شود»<sup>۳</sup>.
- مرحوم کاشف الغطاء ہنگام بحث از روز نہم ربیع الاول می‌افزاید یکی دیگر از علل شادی و سرور حضرت زہرا علیہا السلام این است کہ روز نہم دہم (ربیع الاول) ایام پیوند مقدس سید کاینات با بانوی پاک و پاک سرشت حضرت خدیجہ علیہا السلام است کہ بی‌گمان حضرت زہرا علیہا السلام مسرور است کہ این شادی و سرور در این ایام بہ شیعیان و ارادتمندانش بہ ارث رسیدہ است»<sup>۴</sup>.
- پیام حضرت آیت اللہ صافی گلپایگانی در روز نہم ربیع المولود ۱۴۳۴ هـ.ق: یوم اللہ بزرگ نہم ربیع المولود، سالروز آغاز ظہور موفور السرور ولایت و امامت حضرت ولی اللہ الاعظم امام مبین و حصن حصین، بقیۃ اللہ فی الارضین موعود انبیاء مرسلین و مقصود از «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» الإمام الثانی عشر الحجۃ ابن الحسن المہدی ارواح العالمین لہ الفداء می‌باشد. این روز مقدس را بہ ساحت مبارک آن ولی دوران و بہ عموم منتظران روزگار رھایی و عصر نجات و خلاص بشر از ظلم و بی‌عدالتی و استکبار، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. در حقیقت باید گفت از امروز و از درون تاریخ ہجری، تاریخ پر برکت و نوین عصر مہدوی آغاز می‌شود. ملت شریف ایران و تمام شیعیان جہان افتخار دارند کہ چنین روز بزرگی را جشن گرفته و آن را عزیز و گرمی دارند. بزرگترین نعمت الہی در ہر عصر و زمان، وجود ذی جود حجۃ اللہ است کہ بہ تصریح حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام زمین، خالی از وجود او نخواہد بود کہ یا ظاہر و مشہور و یا غایب و مستور است و اوست کہ آیات و بیّنات الہی را از زوال و بطلان نگہ می‌دارد.
- از وظایف بسیار مہمّ شیعیان در عصر غیبت، شکر این نعمت بزرگ است کہ ہر چہ بیشتر و گسترده‌تر بروز داشتہ باشد آثار مفید و برکات آن موجب قرب الہی و نشان از حیات و زندہ بودن جامعہ مہدوی دارد»<sup>۵</sup>.

۱. مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۵۲۲ (۲۳- باب نوادر ما يتعلق بأبواب الاغسال، حدیث ۴).

۲. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۴ (استحباب الغسل یوم التاسع عن ربیع الاول).

۳. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۵ (باب ۱۳- فضل الیوم التاسع...، ذیل حدیث ۱).

۴. مصار الشیعہ شیخ مفید صفحہ ۲۹

۵. قسمتی از پیام مرجع عالیقدر حوزه حضرت آیت اللہ صافی گلپایگانی ☒



# بیت سربازی



چه لقب سنگینی است «سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»

نمی دانم آخرین بار، کی بود که کمی درباره این لقب فکر کردم. اینکه چه سعادتى دارد، چه لیاقتى مى خواهد و چه وظایفى دارد.

آنقدر سرگرم روزمرگی شده ام که از عنوان و لقب خودم هم غافل شدم. آقا جان، چه سربازانى داشته اى؛ صدوق ها، مفیدها، حلی ها، انصاری ها، امینی ها و خمینی ها. اما چه سربازى شده ام من!

چه جان برکفانى داشته اى که درسخت ترین شرایط معیشتى و خفقان سیاسى، عالم شدند و خدمت کردند.

اما چه جان به لب رسانی شده ام من که به بهانه مشکلات معیشتى، در اوج اقتدار سیاسى شیعه، بر زمین چسبیده ام و بهانه مى تراشم. هر کارى مى کنم و هر چیزى مى گویم تا دستاویزى برای کار نکردن داشته باشم. راستى دیگر حتى توجیهاتم خودم را هم توجیه نمى کنند؛ منتظرم دیگران شرایط خوب را بسازند تا شاید من هم کارى کنم.

آقا جان، طلبى از شما ندارم که بدهکار هم هستم. بدهکارم؛ چون بهترین راه ها را برابیم گشودى و قدر ندانستم، چون نتوانستیم خوبى هایت را جبران کنیم. بدهکارم چون همیشه سرگرم شکوه و گلایه هستم. اى کاش دست از گلایه و شکایت برمی داشتتم و فقط به وظیفه سربازى ام فکر مى کردم، که با این شرایط و حتى بدتر از آن چه کاره ایى مى توانیم انجام دهیم که اسلام سربلند شود.

مولای من! با تمام کم کارى ها و کسالت ها، هنوز مرا به عنوان سرباز تو مى شناسند. پس به حرمت همین توفیق و فضیلت، باز هم آمده ام به درگاهت، تا مرا بپذیری. بیعت دیگرى باشما مى بندم و امیدوارم که آن را حفظ کنم.

آقای من! دعاگوی سربازانت باش که باری دیگر ان شاء الله با عزمى راسخ تر با حضرتتان تجدید عهد کنیم به امید اینکه وفا کنیم:

اللَّهُمَّ أَجِدِّدْ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي،

اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ.

فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّصُوصٌ، عَلَى

طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

خاطره‌ی آیت‌الله پایانی رحمته‌الله‌علیه از درس  
مؤسس حوزه، مرحوم استاد ابوالحسنی منذر رحمته‌الله‌علیه

## وقتی طلاب گفتند نهم ربیع، درس حاج شیخ را به هم می‌زنیم!

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد پایانی اردبیلی، استاد مشهور  
و توانای حوزه علمیه قم، در درس «مکاسب ربیع» شیخ انصاری،  
به مناسبت شیرین‌کاری یکی از طلاب به مناسبت حکایت  
زیبایی را از مؤسس حوزه نقل کرد.

ماجرای این قرار است که درس استاد پایانی در مسجد حضرت  
زین العالدین علیه‌السلام قم ایراد می‌شد که در مجاورت آرامگاه علی بن بابویه

قرار دارد. مسجد مزبور در آن زمان، که هنوز بنا تجدید بنا نشده بود، دارای

یک دالان ورودی نسبتاً طولانی بود. کنتور برق مسجد، در ابتدای دالان مزبور  
(سمت خیابان) قرار داشت و چون زمستان و هوا سرد بود، پرده‌ای ضخیم،  
دالان را از چشم حضار مسجد می‌پوشاند. در اوایل درس استاد، ناگهان کنتور  
زده شد و صدای استاد که از طریق بلندگو پخش می‌شد قطع گردید. هم‌زمان  
با این امر، صدای بسیار بلند و زُمختی از درون دالان در فضا طنین انداز شد که  
به رسم مجالس تحریم می‌گفت: فاتحه... (با تأکید بر حرف «حاء» و کشیدن  
و ادای آن. به نحو غلیظ. از حلق!) استاد و حضار شدیداً از این صحنه خندیدند  
و پس از اتصال مجدد برق، استاد داستان شیرینی را بیان داشت که در ادامه  
می‌خوانید.

زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، بنیادگذار حوزه علمیه  
قم، شاگردان ایشان یک شب، همه با هم قرار گذاشتند که فردا نهم ربیع  
الاول... است برای اینکه هم، با جناب حاج شیخ یک شوخی کرده باشیم و هم،  
درس تعطیل شده باشد، همین که حاج شیخ خطبه آغاز درس را خواند و  
موضوع بحث را مشخص کرد، همه با هم یکپارچه برمی‌خیزیم و مجلس را ترک  
می‌کنیم. پیدا است که استاد، که خالی‌الذهن با حادثه‌ای غیرمنتظره روبرو  
می‌شد، بور می‌گشت و این خوشمزگی، مایه سرور و خنده می‌گردید...

باری، روز نهم فرارسید و حاج شیخ طبق معمول آمدند و، بی‌خبر از توطئه و  
تبانی طلاب، روی منبر قرار گرفتند که درس را شروع کنند. اما همین که با ذکر  
«بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین» خواستند درس  
را شروع کنند، ناگهان جمعیت حاضر در درس، یکپارچه برخاستند و به سمت در  
حرکت کردند. حاج شیخ، بلافاصله ماجرا را فهمید و دریافت که به مناسبت  
شادی آن روز، از شاگردان خود رودست خورده است.



جمعیت نیز خوشحال از این  
شوخی موفق با استاد، به سمت در  
راه افتاده بود که حاج شیخ گفت:

بسیار خوب، امروز، روز سرور است  
و درس نداریم. اما، بنشینید یک  
کلمه بگویم و بعد همه با هم  
برویم. شاگردان فکر می‌کردند حاج  
شیخ می‌خواهد به مناسبت ایام،  
سخنی بگوید، لذا نشستند و با  
سکوتی محض، سراپا گوش شدند  
که حاج شیخ چه نکته تازه و  
مهمی را می‌خواهد بگوید زمانی  
که همه نشستند و سکوت کامل در  
جلسه درس برقرار شد، حاج شیخ  
بدون اینکه سخنی بگوید، سریع از  
منبر به زیر آمد و تنها، به سمت در  
به راه افتاد و همه را، بور و کینف،  
برجای گذارد!

و شاگردان تازه فهمیدند که چه  
رودستی از حاج شیخ خورده‌اند!

کتاب لیخند علما،  
اثر استاد علی ابوالحسنی منذر

## دعای عهد و آمادگی برابر توهین ها

۰۰:۰۲

تصمیم بگیریم که دعای عهد را هر روز بخوانیم. هر روز تجدید میثاق کنیم که مابرای شهادت آماده ایم و حتی آرزوی کنیم که:

۰۰:۲۰

«إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفْنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجْرِدًا قَنَاتِي مُلْتَبِيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي

«...»

۰۰:۳۴

ما باید آن قدر پابرجا باشیم که بگوییم اگر در زمان حیات هم توفیق نداشتیم که به شهادت برسیم، آرزو داریم که بعد از ظهور شما در رجعت برگردیم؛ فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي؛ خدایا! من را دوباره زنده کن و از قبر دریاور درحالی که کفنم را به صورت لنگ بسته باشم و شمشیرم را کشیده باشم؛ «مُؤْتَزِرًا كَفْنِي شَاهِرًا سَيْفِي»

۰۱:۱۵

اگر نوکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف هستی باید این طوری باشی؛

«شَاهِرًا سَيْفِي مُجْرِدًا قَنَاتِي؛ سلاحم را کاملاً آماده و برهنه کرده باشم و از غلاف درآورده باشم.» اگر به زبان امروزی بخواهم بگویم، دستم روی ماشه باشد؛ طوری از قبر دربیایم که دستم روی ماشه باشد؛ «مُجْرِدًا قَنَاتِي».



برای شنیدن صوت این محتوا اسکن و یا کلیک کنید.



السلامة في دفع خطرات

## راه های دفع خطرات بایداد و توجه قلبی به امام



برای دیدن فیلم مرتبط با این محتوا اسکن و یا کلیک کنید.

اعتقاد به وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه، هم برای رفع مشکلات، کارساز است و هم عامل اخلاقی و تربیتی دارد که وقتی ما توجه می کنیم که آقا از کارهای بد ناراحت می شود، به خاطر آقا این کار را ترک می کنیم. خیلی ها هستند که فقط به خاطر اینکه کاری گناه است و حرام است و عذاب اخروی دارد این کار را ترك نمی کنند، اما اگر بگویند که با انجام این کار دل امام عجل الله تعالی فرجه الشريف می سوزد، حساب خاصی باز می کنند. من چنین مواردی را سراغ دارم.

يك داستان یادم آمد. يك آقای بزرگواری بود که معتاد به سیگار بود. هر چه می خواست ترك بکند نمی توانست.

بعضی ها مزاجشان جوری است که وقتی عادت کردند، به این آسانی ها نمی توانند ترك کنند. خدا نکند که آدم به این عادت های زشت مبتلا بشود! يك روز من ایشان را دیدم که سیگار را ترك کرده بود. به او عرض کردم چطور شما چند بار می خواستی اقدام کنی گفتمی نمی توانم و اراده ام این قدر قوی نیست. گفت يك کسی من را به ابوالفضل عجل الله تعالی فرجه الشريف قسم داد، من به احترام نام ابوالفضل عجل الله تعالی فرجه الشريف دیگر ترك کردم.

این يك راه بزرگی است برای اینکه موقعی که شیطان ما را به گناه وسوسه می کند، توجه کنیم به اینکه این گناه دل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را به درد می آورد و آقا ناراحت می کند. اگر به این توجه کنیم، ولو در ابتدا انگیزه ترك گناه نداشته باشیم اما به خاطر قلب مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف ترك می کنیم.



## گسترش فرهنگ مقاومت در منطقه فریاد آمریکا را بلند کرده است



برای دیدن فیلم مرتبط  
با این محتوا اسکن  
ویا کلیک  
کنید.

### شناخت دستاوردهای دفاع مقدس

دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت با رهبر انقلاب  
بیست و نهم شهریور ۱۴۰۲

یک دستاورد دیگر در دفاع مقدس این بود: دفاع مقدس مرزهای ما را گسترش داد.

منظور مرزهای جغرافیایی نیست؛ مرزهای دیگر ما را گسترش داد. مثلاً مرز «مقاومت» را گسترش داد؛ این یک نمونه است. امروز مفهوم مقاومت و عنصر مقاومت، یک عنصر جاافتاده است؛ در فلسطین، در منطقه غرب آسیا، در کشورهای گوناگون، در عراق، در ایران و در جاهای مختلف مقاومت است؛ این عنوان مقاومت را دفاع مقدس در دنیا مطرح کرد و پیش برد و در خیلی از جاهای دنیا جا انداخت. دفاع مقدس فرهنگ مقاومت و آنگاه به نفس را گسترش داد.

یکی دیگر از آثار دفاع مقدس، رشد و استحکام فکر مقاومت در داخل خود کشور است. این سی و چند سال نهادینه شدن فرهنگ مقاومت در کشور ناشی از مقاومت هشت ساله دفاع مقدس است. عظمت جهاد مقدس و دفاع مقدس را بایستی ما روزبه روز بیشتر بیان کنیم، بگوییم، تبیین کنیم؛ این جزو وظایف است.

حالا [اگر] انسان بخواهد وارد این مقوله بشود که دستاوردهای دفاع مقدس چه بود، یک کتاب ده‌ها جلدی خواهد شد. من دو سه نکته را فقط در این زمینه عرض میکنم. اول اینکه تمامیت ارضی کشور حفظ شد که خب کار مهمی است، یعنی همه‌ی دنیا پشت سر صدام جمع شدند برای اینکه این مرز را بشکنند، هشت سال هم زور زدند، آخرش هم یک وجب از خاک این کشور نرفت.

یک دستاورد این بود که ملت ایران عظمت توانایی‌های خودش را کشف کرد. شما الان ملاحظه کنید این خانمها و آقایان جوانی که آمدند اینجا صحبت کردند، دائم می‌گویند که ما در اداره‌ی کشور، در مدیریت کشور، در اقتصاد و مانند اینها، شیوه‌های جنگ تحمیلی را و دفاع مقدس را به کار ببریم و استفاده کنیم؛ این معنایش چیست؟ معنایش این است که آن قدر در دفاع مقدس توانایی‌های ملت ایران در همان بخش آشکار شده که همه می‌خواهند در همه بخشهای مدیریت یک کشور و پیشرفت یک کشور و اعتلای یک کشور از آن برنامه‌ها تبعیت کنند و پیروی کنند.

یکی دیگر از دستاوردهای دفاع مقدس همین ایمن‌سازی کشور است؛ ایمن‌سازی کشور. یعنی دفاع مقدس، کشور را از آنها جمعی نظامی محتمل تا حدود زیادی ایمن کرد. مدام گفتند حرکت نظامی هم روی میز است اما از روی میز تکان نخورد؛ چون میدانستند که اگر چنانچه وارد این میدان بشوند، شروعش با آنها است، پایانش با آنها نیست؛ این را دفاع مقدس نشان داد. دیگر اینکه ایمنی عمیق و صادق، عزمهای قوی و راسخ، هوشمندی جوانان ایرانی، قدرت ابتکار و نوآوری‌ها از سوی عناصر نظامی و غیر نظامی، ظرفیت غلبه‌ی بر قلدرهای جهانی، اینها چیزهایی بود که در این دفاع مقدس از ملت ما و از رزمندگان ما آشکار شد. خب، خود ملت هم اینها را شناختند و طبعاً وقتی ما شناختیم و فهمیدیم که این توانایی‌ها را داریم، امید ما زیاد خواهد شد، نشاط ما زیاد خواهد شد و بیشتر در صدد استفاده از این توانایی‌ها بر خواهیم آمد. در میدانهای دیگر هم میتوانیم از اینها [استفاده کنیم]. این یکی از دستاوردهای مهم دفاع مقدس است.

## امام حسن عسکری علیه السلام ونهادینه کردن تفکر مهدویت

حجت الاسلام والمسلمین رفیعی



برای مشاهده کلیپ تصویری  
کد بالا را اسکن  
و یا روی آن کلیک کنید

.....  
امام عسکری علیه السلام دومین امامی است که در سن کم به شهادت رسیده است. اول امام جواد علیه السلام است که در سن ۲۵ سالگی و دوم امام عسکری علیه السلام است که در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسیده است. زندگی امام عسکری علیه السلام هم زندگی عجیبی است. ایشان یازدهمین امام است. آخرین پدر حجت و ولی خداست.

لذا یکی از بخش های برجسته ی زندگی امام نهادینه کردن تفکر مهدویت است. اینکه مردم را با امام زمان علیه السلام آشنا کند.

ایشان پیشتر عمرشان را در سامرا به حالت کنترل و تبعید گذرانده است. فوق العاده تحت نظر بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد نشود و اگر متولد بشود مانع بشوند. یکی از کارهای عمده اش این بود که از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حفاظت کنند و ایشان را به شیعیان شان نشان بدهند.



## شرح حدیث امام حسن عسکری علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین عالی

قال الإمام الحسن العسکری علیه السلام :

عَلَامَةُ الْإِيمَانِ خَمْسٌ: التَّخْتُّمُ بِالْيَمِينِ، وَ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ.

« حدیقه الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۴ »

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

علامت و نشانه ایمان پنج چیز است: انگشتر به دست راست داشتن، خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (واجب و مستحب)، خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» (در نماز ظهر و عصر) با صدای بلند، پیشانی را در حال سجده روی خاک نهادن، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام انجام دادن.



برای شنیدن شرح این حدیث  
از زبان استاد عالی  
کد روبرو را اسکن  
و یا روی آن کلیک کنید.

## زندگی و سیره امام حسن عسکری علیه السلام



برگرفته از کتاب: **انسان ۲۵ ساله؛**  
بیانات مقام معظم رهبری درباره ی زندگی  
سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام



برای مشاهده این ویدئو موشن کد بالا را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



## بازکاوای حقوق امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

سینه پر درد و فغان است چه پنهان از تو

سبزه را بوی خزان است چه پنهان از تو

ای دریغا! شاهبازان به چه قانع شده اند!

دل نرگس نگران است چه پنهان از تو

در ایام نهم ربیع سالروز آغاز امامت حجت خدا، نور آل محمد عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، مهدی فاطمه عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، می توان این روز را به عادت گذراند و به غفلت سپری کرد و از بیم به نمی و از دریا به قطره ای قانع شد و می توان به بازکاوای حقوق امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و محاسبه ی عهد و پیمان هایی که با آن حضرت داریم، پرداخت و بانقبی به نور و محاسبه ها و بازکاوای ها، به وسعت ها و هدایت های بیش تری رسید.

هر کسی راسالی است، از کشاورز و تاجر گرفته تا عارفان و سالکان. یکی، سالش را هنگام برداشت محصول قرار می دهد و دیگری، هنگام تحصیل سود. بر شیعیان مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ باور، فرض است که در ایام منتسب به حضرت مانند نهم ربیع و نیمه ی شعبان، در کنار اعمال فراوان شب و روز آن، به محاسبه ی تکالیف و عهدهای خود با امام شان بپردازند و بر حقوق آن حضرت و آن چه نسبت به آن بزرگوار کرده اند و نکرده اند، مروری داشته باشند. بر کرده ها، سپاسگزار و شاکر باشند و بر نکرده ها، استغفار و تصمیم بر جبران.

ما، هر یک، عهدهایی داریم با خدای مان، پیامبرمان و امام مان.

با خدای مان عهد کردیم که شرک نوزیم:

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ: يس: ۶۰»

و اطاعت او و اولیایش را گردن گذاریم.

با پیامبرمان عهد بستیم، پاسدار وحی و حامی وصی او باشیم.

با امام مان میثاق بستیم که او را بشناسیم و در برابرش تسلیم باشیم و جان و مال و خویشان و همه ی آن چه که خداوند به ما ارزانی داشته، فدایش کنیم و به پایش بریزیم:

«و هو عهدی الیک و میثاقی لدیك... فأبذل نفسی و مالی و ولدی و أهلی و جمیع ما حوّلنی ربّی بین یدیک و التصرف بین امرک و نهیک»

مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر؛ مصباح کفعمی، ص ۴۹۵

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ: معرفه الائمه و التسليم لهم فيما ورد عليهم و الرد اليهم فيما

اختلفوا فيه»

مردم، به سه تکلیف مکلف اند: معرفت امام؛ تسلیم در برابر او؛ و اگذاری امور به او

در اموری که اختلاف پیش می آید.

«وسائل الشيعه، ج ۲۷، ص ۶۷»

با او عهد کردیم که مدافع حریمش باشیم و در برطرف کردن حوائج و خواسته های او - که در حقیقت، خواسته های ما و به نفع خود ما است - کوشا باشیم.

«اللهم! اجعلني من أنصاره و أعوانه و الذائين عنه و المسارعين إليه في قضاء حوائجه و الممتثلين لأوامره و المحامين عنه و السابقين الي إرادته و المستشهدين بين يديه».

مفاتیح الجنان، دعای عهد

وزمین ساز حکومتش باشیم

«يوظفون للمهدى سلطانه»

بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷

و به دوستانش محبت بورزیم و با

دشمنانش بستیزیم

«سلم لمن سالمكم و حرب لمن

حاربكم»

مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا

این حقوق، چه فردی و چه اجتماعی،

حقوق سنگینی است تا آن جا که

برای ادای آن ها، باید از ذات

احدیت استعانت بجوئیم و درخواست

کنیم که: یا الهی کمکمان کن تا

حقوق امام زمانمان خود را به

بهترین شکل ادا کنیم.

«واعتناعلى تاديه حقوقه إليه»

دعای ندبه



برای مشاهده و دریافت  
این مقاله در قالب  
بروشور کد روبرو را اسکن  
و یا روی آن کلیک کنید



علم و عصمت امام دو ویژگی مهمی است که در امام وجود دارد. عصمت و معصومیت از گناهان از یک سو و علم نامحدود از جهان هستی از سوی دیگر سبب تمایز امامان از دیگر افراد گشته است. امام باید تمام احکام و قوانین دین را که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم ضرورت دارد بداند، به اخلاق نیک و صفات زشت عالم آگاه باشد. عقاید صحیح و درست را بداند، عقیده‌های باطل و بی اساس را بشناسد و به طور کلی، باید آنچه لازم است بداند و از جمیع قوانین و احکامی که از جانب خدا نازل شده با اطلاع باشد. حضرت باقر علیه السلام فرموده‌اند: «ما صاحبان ذکر و صاحبان علم هستیم، علم حرام و حلال نزد ماست».

### برای اثبات این مطلب از دو دلیل می‌توان استفاده نمود:

**دلیل اول:** همان دلیل هایی که برای اثبات ضرورت وجود امام وجود دارد؛ یعنی همیشه باید یک فرد کامل انسانیت و نمونه جامع دیانت در

بین مردم وجود داشته باشد که تمام کمالات انسانیت در وی به فعلیت رسیده و آینه تمام نمای دیانت باشد تا طریق دین و نیل به کمالات بی غایت، بدون پیشوانمانند و ارتباط بین عالم غیب و نوع انسان محفوظ باشد. لازمه این برهان این است که امام باید به تمام حقایق و احکام دین عالم باشد، زیرا کسی که نمونه دین است باید تمام احکام و حقایق دیانت را بداند و از روح و باطن آنها مطلع باشد و به حقیقت آنها نایل شده باشد، زیرا «عمل کردن»، فرع «دانستن» است. چون احکام و قوانین دین را می‌دانسته و با چشم باطن مشاهده می‌نموده به آن عمل می‌کند. او که به حقیقت و باطن دین نایل شده چگونه ممکن است از احکام و قوانین آن بی اطلاع باشد؟ او که در متن صراط مستقیم دیانت قرار گرفته چگونه تصور می‌شود به احکام آن جاهل باشد؟

**دلیل دوم:** خداوند حکیم که بشر را آفریده و در طریق کمال قرار داده هرگز او را در سرگردانی رها نمی‌سازد؛ بلکه لطف بی پایانش اقتضا دارد که راه رسیدن به سعادت دنیوی و نیل به کمالات معنوی را در اختیارش قرار دهد و به همین جهت احکام و قوانینی را که برای اداره امور دنیوی و پیمودن طریق کمالات روحانی او لازم بوده به وسیله پیغمبران برگزیده اش نازل نموده و در اختیارش قرار داده است. امام علی علیه السلام فرمود: «ما نور آسمان و زمین و کشتی‌های نجات هستیم. علوم پنهانی خدا نزد ماست و برگشت امور به سوی ما می‌باشد.» و چون پیغمبر همیشه در بین بشر باقی نمی‌ماند و احکام و قوانین دین باید همیشه در بین آنان باقی بماند، باید بعد از پیغمبر فرد معصومی در بین مردم موجود باشد تا احکام و قوانین را بدون کم و زیاد نگهداری کند و در ارشاد مردم و اجرای احکام الهی کوشش و جدیت کند و محیط را برای پیمودن راه کمال و پرورش انسان‌ها آماده سازد.

تا مردم همیشه به احکام الهی و صراط مستقیم دیانت دسترسی داشته و بتوانند بدان‌ها مراجعه نمایند. چنین فرد معصومی که حافظ و خزینه دار احکام است و امور اجتماعی را اداره می‌کند در اصطلاح شرع امام نامیده می‌شود. این برهان، وجود امام را برای حفظ و نگهداری احکام لازم می‌داند. بنابراین، لازمه اش این است که امام تمام احکام و قوانین دین را بدون کم و زیاد بداند و برنامه‌های لازم را در اختیار داشته باشد تا بتواند مشکلات دینی و اجتماعی آنان را حل کند و مسائل حرام و حلال را در اختیارشان قرار دهد و به بهترین شکل ممکن جامعه انسانی را به سوی غایت کمال انسانیت رهبری کند. با این وصف ممکن نیست مردم در یکی از امور مربوط به دیانت محتاج شوند ولی امام از حل آن عاجز باشد.

# زنگار هدیه

مجموعه پرسش و پاسخ

پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف



سه شنبه هر هفته پاسخ به یک پرسش مهدوی توسط کارشناس



هر ماه به قید قرعه اهداء بسته فرهنگی نفیس

جایزه ویژه: کمک هزینه سفر به مشهد مقدس به ۱۴ نفر همراه با برگزاری ویژه برنامه در روز نیمه شعبان



برای مشاهده محتوا به کانال چشم به راه مراجعه نمایید

@chashmbe\_rah

۳۰۰۰۱۳۶۶

سامانه پیامکی شرکت در مسابقه:



بنیاد ملی محنتی مازندران